

نظام‌های فاشیستی، چند ویژگی مشترک دارند: ۱- رهبری یگانه و بیشتر، کاریزماتیک. ۲- بسیج توده‌ی و تکیه به سرکوب معترضان و روشنفکران توسط دستجات مسلح ۳- مردم تحت حکومت خود را ملت برتر در میان همه‌ی ملل جهان معرفی کردن (و کذالک جعلناکم أمّتا وسطا) ۳- ترویج تقدس خویش به عنوان تنها قدرت سیاسی مشروع در جهان. ۴- ایدئولوژی، همچون تنها جهانبینی حق در برابر همه‌ی جهانبینی‌های باطل. ۵- دشمن معرفی کردن همه‌ی... جهان در برابر نظم بر ساخته‌ی خود. ۶- نظامیگری.

حکومت نازیهای آلمان و فاشیستهای ایتالیا اگرچه در جنگ با حکومت‌های دیگر شکست خوردند، اما فاشیسم (در معنا و منظر کلاسیک آن که واکنشی ضد انسانی در برابر "جهنم سرمایه داری مالی بحرانزده" تعبیر شده است)، در اساس، با قهرمانی‌های ناگزیر هسته‌های مقاومت ضدفاشیستی، نابود شد. و بعد، دستاوردهای این مقاومت، که به گونه‌ی روشنگریهای روشنفکران و هنرمندان و نویسندگان، منتشر شد، عادات و سنت‌های فاشیستی را در همان کشورها و در میان همان توده‌های پیشتر بسیج شده با فرمان رهبر و پیشوا، رو به زوال برد.

امروز، نظام‌های فاشیستی، اگرچه می‌توان گفت که بر ضرورت تاریخی جبری شکلگیری فاشیسم کلاسیک، بوجود نیامده‌اند، اما شیوه‌های حکومتی‌شان، همان شیوه‌های فاشیسم کلاسیک است. اگر شیوه‌ها یکی ست، راه مقابله با آنها هم یکی ست؟